



فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

مبانی نظری اجرای علنی مجازات‌ها از منظر فقهی و حقوقی

حمید بابایی، محمود قیوم زاده*؛ محمد رسول آهنگران^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

چکیده

هدف از این پژوهش در خصوص اعمال مجازات به صورت علنی می‌باشد. موضوع اعمال مجازات در ملا عام از مسائلی است که باعث بروز واکنش‌های متفاوت از سوی صاحب نظران شده است برخی ضمن موافقت با اجرای مجازات در ملا عام معتقدند اجرای علنی مجازات زمینه شرعی و قرآنی دارد و در تایید نظر خود به آیه شریفه "صولیشهد عذابهما طائفه من المومنین استناد می‌کنند. گروهی نیز معتقدند اصلاً موضوعی به عنوان ملا عام در قواعد فقه موجود نمی‌باشد و آیه شریفه مذکور بیانگر اجرای علنی مجازات نمی‌باشد. در هر نظام کیفری، شیوه اجرای مجازات، متأثر از مبنا و اهداف مجازات در آن نظام کیفری بوده و در راستای تحقق آن اعمال می‌گردد. مبانی مجازات از دیدگاه اسلام، هر چند تلفیقی از دو اصل عدالت و اصل فایده است، لکن بیشترین تأکید بر تحقق آثار و نتایج حاصل از مجازات صورت گرفته است. با بررسی آموزه‌های کیفری اسلام در خصوص اهداف مجازات به این نتیجه می‌رسیم که مهمترین اثر و نتیجه‌ای که اجرای مجازات در راستای تحقق آن صورت می‌گیرد، اصلاح و تربیت مجرم است. اجرای مجازات در ملا عام، نه تنها این هدف اساسی را تأمین نمی‌نماید بلکه تحقق آن را غیرممکن و یا دشوار می‌سازد.

کلید واژه‌ها: ادله فقهی و حقوقی، مجازات، ملا عام، اجرای علنی مجازات

^۱ - دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

^۲ عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ایران (نویسنده مسئول)

Email: maareftaecher@yahoo.com

^۳ استاد دانشگاه تهران، پردیس فارابی

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر بحث اجرای علنی مجازات‌ها، با چالش‌های فراوانی روبرو بوده است. در طول این مدت، گروه‌ها و جریان‌های مختلفی با انگیزه‌ها و اهداف متفاوتی این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند. مسأله اساسی در این است که نفس مجازات که باید اثر عبرت آموزی و اصلاح داشته باشد، آیا باید در ملاء عام صورت گیرد تا باعث ارعاب شود. البته باید توجه داشت که اگر چه شاید تأثیرات موقتی را که اجرای علنی مجازات‌ها دارد نتوان انکار کرد، اما باید تأثیرات مخرب اجتماعی ناشی از مشاهده مجازات توجه کرد. در این پژوهش تلاش می‌شود که این تأثیرات مخرب در اجتماع و همچنین هدف از اجرای علنی مجازات‌ها مورد بررسی دقیق قرار گیرد. اجرای علنی مجازات‌ها بدون در نظر گرفتن عواطف، احساسات و شخصیت مجرم و شرایط اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی و سایر عوامل تأثیر گذار در پیدایش جرم، علاوه بر اینکه مجرم را به سوی جرائمی بیشتر سوق می‌دهد، بیشترین ضرر و خطر را متوجه جامعه می‌سازد. در حال حاضر از یک سو، هر حادثه‌ای که در هر نقطه‌ای از جهان رخ می‌دهد در تمامی جهان انعکاس می‌یابد و از سوی دیگر، حساسیت جهانی نسبت به برخی کشورها خصوصاً کشورهای اسلامی به گونه‌ای است که نمودهای ناخوشایند را با جداسازی از سایر عناصر مجموعه آن، به شدت بزرگ نمایی کرده و مورد ایراد و انتقاد قرار می‌دهند؛ همین مسأله، ضرورت پرداختن به این موضوع را دو چندان ساخته است. متأسفانه به رغم حملات شدیدی که در این مدت به بهانه حمایت از کرامت و شخصیت انسان‌ها متوجه قوانین کیفری کشور و به تبع آن فقه امامیه شده است، از سوی متفکران و حقوق دانان اسلامی اقدام جدی و قابل توجهی در زمینه تبیین و تشریح این مسأله صورت نگرفته است. همچنین طی سال‌های گذشته اجرای علنی مجازات‌ها و گرداندن مجرم در شهرها که همراه با توهین و تحقیر مجرم است، یکی از مباحث بحث برانگیز بوده و واکنش برخی صاحب نظران مسائل شرعی، اجتماعی و سیاسی را برانگیخته است. البته، این امر در هر حال، موافقت‌ها و مخالفت‌هایی را به همراه داشته است. صرف نظر از جنبه‌های اجتماعی مجازات‌ها که امروزه در نظامات کیفری به عنوان یک ضرورت حیات جمعی و به منظور تحقق بخشیدن به اهداف خاصی نهادینه شده و به مرحله اجراء در می‌آید، این نکته را نباید از نظر دور داشت که اعمال برخی از مجازات‌ها به خصوص اجرای علنی آنها با آثار منفی در جامعه همراه می‌باشد. کسی که به اتهام ارتکاب جرم خطرناک و مهمی به مجازات سختی که جنبه تزدیلی دارد و اعمال آن به هدف بازدارندگی و ارعاب همگانی صورت می‌گیرد در عمل موجب هتک حرمت و حیثیت اجتماعی محکوم علیه و خانواده‌ی او، نزد اشخاص و جامعه خواهد شد. یکی از کارکردهای اجتماعی منفی مجازات‌ها از منظر جامعه شناسی جنایی این است که بعضی از مجازات‌ها مانند اعدام و قطع عضو و شلاق زنی در ملاء عام که توأم با خشونت و آزار می‌باشد شیوه اعمال خشونت و درشت خوئی را به جامعه انتقال می‌دهد و تأثیر منفی بجای خواهد گذاشت. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که فرد بزهکار موجودی غیراجتماعی و سربرار جامعه و غیر قابل اصلاح نمی‌باشد که لزوماً بایستی به علت ارتکاب جرم، جامعه او را طرد نماید بلکه فرد جامعه ستیز انسانی است با ویژگی شخصیتی خاص و می‌تواند مانند سایر افراد ناکرده بزه مظهر انسانیت باشد، پس با وجود این نباید فراموش کنیم که اکثر بزهکاران قابل اصلاح هستند و با فردی کردن مجازات‌ها به تناسب شخصیت بزهکار برای بازسازی اجتماعی مجدد او تا آنچنان که باید شناخته شود و جامعه از علت انحراف و جرم ارتكابی او بخوبی وقوف حاصل نماید. این پژوهش در پاسخ به این پرسش‌ها می‌باشد که اولاً آیا اجرای علنی مجازات‌ها مشروعیت دارد؟ ثانیاً اجرای علنی مجازات‌ها با کدام یک از اصول بنیادین حاکم بر اجرای مجازات‌ها تقابل دارد؟ در پاسخ به دو سوال فوق فرضیه‌های در نظر گرفته شده به این ترتیب می‌باشد. اولاً در اصل مشروعیت اجرای آشکار حدود هیچ گونه تردیدی نیست و در میان فقها دنیز نسبت به مشروعیت این مسأله هیچ گونه اختلاف نظری وجود ندارد، ثانیاً به نظر می‌رسد که اجرای علنی مجازات‌ها با اصل شخصی بودن مجازات‌ها بیشترین تقابل را دارد.

۲. مبانی فقهی اجرای علنی مجازات

فقه‌های اسلامی، اعم از امامیه و عامه در خصوص وجوب و یا استحباب حضور عده‌ای به هنگام اجرای حد، اختلاف نظر دارند.

لازم به ذکر است که این اختلاف اقوال، تنها در مورد اجرای حد زنا وجود داشته و در مورد سایر مجازات ها، اعم از قصاص و سایر حدود و تعزیرات مطرح نگردیده است.

برخی از فقهاء، حضور عده‌ای از مؤمنین را به هنگام اجرای حد زنا، در فرض درخواست حاکم شرع از آنان برای حضور، واجب دانسته اند و برخی دیگر قائل به استصحاب آن شده اند.

علنی بودن مجازات به مفهوم منتشر کردن و آشکار نمودن آن است و آشکار نمودن مجازات، دو معنا دارد: یکی اینکه فقط خیر آن در بین مردم منتشر گردد. و دوم اینکه علاوه بر اطلاع مردم، حضور آنان نیز در زمان اجرای حکم لازم است. پس اعلان مجازات از نظر لغت در دو مصداق: «اطلاع مردم» و «حضور مردم» عینیت پیدا می کند، ولی سخن ما این است که اعلان مجازات در اصطلاح فقها صرفاً با حضور مردم، عینیت پیدا می کند: زیرا شواهد محکم و متقنی وجود دارد که نشان می دهد اعلان مجازات تنها با حضور مردم محقق می شود و صرف اطلاع، کافی نیست، چنان که در آیه «ولیشهد عذابهما طائفه من المومنین» (سوره نور، آیه ۲)، کلمه «ولیشهد» بیانگر وجوب یا استصحاب حضور طائفه‌ای از مؤمنین است. همچنین دسته زیادی از روایات بر حضور مردم در مقام اجرای حکم (اعم از زنا و غیره) دلالت دارند که نمونه هایی از آنها را در مباحث بعدی نقل خواهیم کرد. با تأمل در مطلب فوق درمی یابیم که در اینجا دو بحث وجود دارد.

اول اینکه آیا حاکم شرع، مکلف به اعلان و احضار مؤمنین برای حضور در مکان اجرای حد زنا هست یا خیر؟ و دوم اینکه در صورت احضار مؤمنین توسط حاکم شرع، تکلیف مؤمنین چگونه است؟

با بررسی اقوال فقهاء، به این نتیجه می رسیم که فقهاء، نسبت به اینکه حاکم شرع هیچ الزامی نسبت به احضار مؤمنین ندارد، اتفاق نظر داشته و تنها آن را امری مستحبی شمرده اند و فقط در مورد تکلیف مؤمنین نسبت به حضور در محل اجرای حد زنا، پس از درخواست حاکم شرع، اختلاف رأی و فتوا وجود دارد. در این مجال به بررسی اقوال فقهاء اسلامی در این زمینه و بررسی ادله آنان می پردازیم.

۱- «لا اشکال و لا خلاف فی انه ینبغی للامام و من قام مقامه اذا اراد استیفاء الحد ان یعلم الناس» محمدحسن، النجفی، جواهر الکلام، ص ۳۸۰.

۲-۱. بررسی اقوال فقهاء و ادله آنها

۲-۱-۱. قائلین به وجوب

برخی از فقهاء عظام، قائل به وجوب حضور جمعی از مؤمنین، به هنگام اجرای حد جلد و رجم زانی و زانیه شده‌اند. از آن جمله است: شیخ مفید در «المقنعه» (محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید): ۷۸۰). ابن حمزه در «الوسیله» (الطوسی، محمد بن علی (ابن حمزه)، ۱۴۰۸: ۴۱۲)؛ ابن ادریس در «السرائر» (الحلی، محمد بن منصور بن احمد بن ادریس، ۱۴۱۱: ۳/۴۵۳)؛ شهید ثانی در «مسالك الافهام» (الجبعی العاملی (شهید الثانی)، زین الدین بن علی، ۱۴۱۹: ۱۴/۳۸۸) و «الروضه البهیة» (الجبعی العاملی (شهید الثانی) زین الدین بن علی: ۹۵/۹)؛ محقق حلی در «مختصر النافع» (الحلی (محقق)، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، ۱۴۰۵: ۲۹۵) و «قواعد الاحکام» (الاسدی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن المطهر، ۱۴۱۹: ۳/۵۳۰-۵۲۹) و فاضل مقداد در «مختصر الشرائع» (السیوری الحلی (فاضل مقداد)، پیشین)؛ فاضل هندی در «کشف اللثام» (الاصفهانى (فاضل هندی)، محمد بن الحسن بن محمد، ۱۴۰۵: ۲/۴۰۱)؛ یحیی بن سعید حلی در «جامع الشرائع» (الحلی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۶: ۵۴۹)؛ ابن فهد حلی در «المقتصر» (الحلی، احمد بن محمد بن فهد، ۱۴۱۰: ۴۰۲).

مرحوم آیه الله خوئی، وجوب حضور عده‌ای از مؤمنین را به هنگام اجرای حد زنا، استظهار نموده است. (الموسوی الخوئی، سید ابوالقاسم: ۲۲۱/۱ - ۲۲۰)

فقهای مذهب حنبلی (المقدسی، عبدالله بن قدامه، ۱۴۱۴: ۴/۹۶؛ منصور بن یونس، البیهوتی، ۱۴۱۸: ۶/۱۰۸) نیز قائل به وجوب شده‌اند.

جملگی فقهاء مذکور، برای حکم وجوب حضور عده‌ای به هنگام اجرای حد زنا، به ظاهر آیه شریفه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلِيَشْهَدَ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۱ استناد نموده و تصریح نموده‌اند که امر «وليشهد»، ظهور در وجوب دارد. (النجفی، محمد حسن: ۳۵۳)

۲-۱-۲. قائلین به استحباب

برخی دیگر از فقهاء اسلامی، حضور عده‌ای را به هنگام اجرای حد زنا، مستحب دانسته‌اند که از آن جمله می‌توان به صاحب جواهر در «جواهر الکلام» (همان، ص ۳۵۳)؛ شیخ طوسی در «النهاية» (الطوسی، محمد بن الحسن بن علی، ۱۴۰۰: ۷۰۱) و «مبسوط» (الطوسی، محمد بن الحسن بن علی: ۸/۸) و «خلاف» (الطوسی، محمد بن الحسن بن علی، ۱۴۱۶: ۵/۳۷۴) محقق حلی در «شرائع» (الحلی (محقق)، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، ۱۴۰۳: ۳/۱۵۷)؛ قاضی ابن براج در «المهذب» (الطرابلسی (قاضی ابن براج)، عبدالعزیز بن البراج، ۱۴۰۶: ۲/۵۲۸) علامه حلی در «ارشاد الازهان» (الاسدی (علامه حلی)، حسن بن یوسف المطهر، ۱۴۱۰: ۲/۱۷۳) شهید اول در «للمعه دمشقیه» (مکی العاملی، محمد بن جمال الدین، ۹۵/۹)؛ امام خمینی در «تحریر الوسیله» (موسوی الخمینی (امام)، سید روح الله، ۴۴۳/۲)؛ مقدس اردبیلی در «مجمع الفوائد و البرهان» (اردبیلی (مقدس)، شیخ احمد، ۱۴۱۶: ۱۳/۶۶) و محمد جواد مغنیه در «فقه الامام جعفر الصادق» (مغنیه، محمد جواد، ۱۴۰۲: ۶/۲۷۰) اشاره نمود.

از فقهای عامه نیز شافع (حسین بن مسعود بن محمد بن الفراء، ۱۴۱۸: ۷/۳۲۶) و مالکی (الزحیلی، وهبه، ۱۴۰۵: ۶/۶۴) و برخی از فقهای مذهب حنفی (الکاشانی، ابوبکر بن مسعود، ۱۴۰۹: ۷/۶۰) نیز قائل به استحباب حضور عده‌ای به هنگام اجرای حد زنا شده‌اند.

^۱ «باید شما مومنان هر یک از زنان و مردان زناکار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند». سوره نور (۲۴)، آیه ۲.

شیخ طوسی در «خلاف»، بر استحباب مذکور ادعای اجماع نموده است لکن با توجه به اختلاف نظری که در مسأله وجود دارد و همچنین تمسک ایشان به ظاهر آیه شریفه در اثبات این اجماع، به نظر می‌رسد که اجماع ادعائی ایشان، اجماع بر استحباب در مقابل وجوب نیست بلکه مراد، اجماع بر رجحان در مقابل ترک می‌باشد چون استدلال به ظاهر آیه، برای اثبات استحباب در مقابل وجوب، با اینکه امر ظهور در وجوب دارد، امری پذیرفتنی نیست.

دلیل این دسته از فقهاء، تمسک به اصاله عدم الوجوب و همچنین حمل امر «ولیشهد» در آیه شریفه بر استحباب می‌باشد، چون امر به معنای استحباب نیز به کار رفته و این آیه شریفه یکی از آن موارد می‌باشد.

از مجموع مطالبی که در این مبحث ذکر گردید به این نتیجه می‌رسیم که دلیل شرعی بر لزوم و یا رجحان اجرای مجازات اعم از حدود و قصاص و تعزیرات در ملاء عام و دعوت از عموم مردم به عنوان تماشاچی، هر چند با هدف ارعاب و پیشگیری صورت گیرد، وجود ندارد.

آیه شریفه «ولیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین» و روایات مربوط به این باب، نه تنها دلالتی بر اجرای مجازات در ملاء عام ندارد بلکه با توجه به قیود «الطائفه» و «من المؤمنین» در آیه شریفه و عبارت «لا یقیم الحد من الله علیه حد» (الحر العاملی، محمد بن الحسن: ۵۶-۵۳) در روایات و تعابیر فقهاء نسبت به اینکه «مؤمنین شرکت کننده به هنگام اجرای حد، بایستی افرادی برگزیده و عادل باشند» و همچنین احادیثی که حاکی از واکنش منفی حضرت علی (ع) نسبت به حضور جمعیت فراوان (همان، ص ۱۰۰) و همچنین حضور افراد لایابالی و بی مایه بود، استفاده می‌شود که مجازات نبایستی در ملاء عام اجرا گردد.

۳. مجازات‌های قابل اجرا در علن از منظر فقهی

۳-۱. حدود

کیفرهایی که کم و کیف آن در شرع کاملاً مشخص شده باشد و کسی نمی‌تواند آن را کم و بیش کند. در ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی آمده است: «حد به مجازات‌هایی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است». در قرآن کریم چهار جرم کیفر حد معین شده است.

۱- سرقت ۲- محاربه و افساد فی الارض ۳- زنا ۴- قذف.

و مابقی جرم مستوجب حد، از روایات وارده استفاده می‌گردد. با نگاهی به آیات قرآن که بیانگر حد برای حریم ذکر شده می‌باشند در هیچ یک جمله یا عبارت خاصی که دال بر ضرورت اجرای حدود در ملاء عام باشد، دیده نمی‌شود.

فقط عبارت «ولیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین» در آیه ۲ سوره نور محل بحث و اختلافات شده است. در این آیه آمده است: «الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائه جلد و لا تاخذکم بها رافه فی دین ... ان کنتم تومنون بالله والیوم الآخر و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین» یعنی «زن و مرد زنا کار را به هر یک از آنان یکصد تازیانه بزنید، و اگر به خداوند و روز واپسین ایمان دارید در دین الهی در حق آنان دچار ترحم نشوید؛ و گروهی از مؤمنان، در صحنه عذاب کشیدن آنان حاضر باشند».

شاید دلایل کسانی که معتقدند مجازات‌های اسلامی باید در علن برگزار شود، تبعیت از سیره پیامبر اکرم (ص) ... علیه و آله و حضرت علی علیه السلام در دوران حکومت شریفشان باشد؛ که البته به نظر می‌رسد از این روایات هم دلیلی بر ضرورت و لزوم (وجوب) اجرای مجازات در علن بدست نیاید. برای نمونه یکی از روایت‌هایی که مورد استناد موافقان اجرای مجازات در علن قرار می‌گیرد اما در حقیقت دلایلی بر این زمینه به طور جدی ندارد، مختصراً ذکر می‌شود: «در زمان حکومت امیرالمؤمنین مردی در کوفه به محضر امام علیه السلام شرفیاب می‌شود و اعتراف به زنا می‌کند. حضرت سعی می‌کنند در دفعات رجوع آن شخص و اعترافش به این عمل قبیح مستلزم رجم تجاهر کنند. اما حضرت پس از مرتبه چهارم از اقرار آن شخص، دستور می‌دهند که باید حکم سنگسار در مورد او اجرا شود. سپس حضرت می‌فرمایند: «ما اقبیح بالرجل منکم ان یاتی بعض هذه و بین الله افضل فیفتضح فی نفسه علی رووس الملا اخلا تاب فی بیته، فوالله لتوبته فیما بیته و بین الله افضل من اقامتی علیه الحد ...» یعنی «چه قبیح و

نازیب است که کسی از شما از این گناهان مرتکب شود، آن گاه خود را در برابر چشم همه مردم مفتضح و رسوا نماید، آیا مگر نمی شد در خانه اش توبه کند! سوگند به خدا! هر آینه توبه او بین خود و خدایش بهتر است از این که من بر او اقامه حد نمایم». سپس مردم برای اجرا شدن حد فرا خوانده می شوند و دستور اجرا داده می شود که همه صورت های خود را بپوشانند و به صحرا روند. حضرت می فرماید: «یا معاشر المسلمین، ان هذا حق من الحقوق... عزوجل، فمن كان لله في عنقه حق فلينصرف، و لا يقيم حدودا... من في عنقه لله حد» یعنی «ای گروه مسلمانان! این حق از حقوق خداست و هر کسی حقی از خدا به گردنش هست در اجرای حد شرکت نکند زیرا کسی که حدی از حقوق خدا به گردنش باشد اقامه حد نباید بکند.» همه مردم رفتند فقط علی ماند و پسرانش حسن و حسین (ع)».

در مورد روایت فوق چند نکته خالی از ذکر نیست؛ ۱- حضرت برای حفظ عفت عمومی و جلوگیری از اشاعه فحشا حتی الامکان سعی نمودند از اثبات جرم خودداری شود. ۲- امیرالمؤمنین، توبه آن شخص را بین خود و خدای خویش، از اقامه حد برتر می دانند. ۳- افراد اجرا کننده حد باید دارای شرایط و ویژگی های خاصی باشند. ۴- در این مورد حد رجم فقط توسط سه نفر اجرا شده است. ۵- اگر هدف از این مجازات این بود که در ملاء عام اجرا شود تا اثر ارعابی داشته باشد باید غیر از بزرگواران ذکر شده، مردم عادی نیز حضور می یافتند. با توجه به اصل عدم وجوب اعلام به مردم برای حضور، هیچ ضرورتی برای اعلام دیده نمی شود. (در اینجا عملاً حضور مردم تحقق پیدا نکرده است) در دیگر حدود نص یا حکم مشخصی بر ضرورت اجرای آنها در ملاء عام دیده نمی شود؛ فقط می توان به طور استثناء به حد نفی بلد و تراشیدن سر در جایی که مرد متأهل قبل از هم بستر شدن با همسرش مرتکب زنا می شود اشاره کرد. در روایات در این قسمت تعبیر «شهر و» وجود دارد که در ملاء عام است و به اطلاع عموم می رسد، که در این مورد می توان بر جنبه ارعابی داشتن این مجازات و اهمیت بنیان خانواده در شرع اشاره داشت.

۳-۲. قصاص

اسلام قصاص را قانونگذاری کرده و آن را به حدود و شرایطی مقید ساخته است تا عدالت برپا شود و از تجاوز و هرج و مرج در کشت و کشتار جلوگیری شود، اجرای قصاص اسلامی، امنیت را به جامعه باز می گرداند و مایه نگهداری آن می شود و ریشه خونریزی و جنگ و تباهی را آن چنان که در جاهلیت در سایر ملت ها نمونه اسف انگیزی داشته است، خشک و نابود می سازد، اسلام به جنبه خصوصی این جنایت، عنایت بیشتری داشته است و بدین جهت، کیفر قصاص را به عنوان حق الناس قانونگذاری کرده و به اولیای مقتول، یا شخص مجنی علیه حق قصاص را اعطا کرده است تا تسلی بخش آلام و مصائب آنان شود. اما آنچه به موضوع تحقیق حاضر مربوط می باشد این مهم است که نه در آیات مرتبط با قصاص و نه در روایات مرتبط و نه در مباحث فقهی علمای بزرگ، کلامی بر ضرورت اجرای این مجازات در عین نیامده است.

۳-۳. تعزیرات

تعزیرات مجازات هایی هستند که به اختیار حاکم اسلامی گذارده شده است که به نحو مقتضی مجرم و متخلف را به کیفر اعمال خود برسانند.

البته در برخی موارد، مجازات تعزیری در روایات معین شده است مانند ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی که از روایات برآمده است. و در برخی موارد از روایات مشخص نشده و از طریق حاکم اسلامی «از طریق مجلس و قانونگذاری» معین و مشخص می شود. اما آنچه به بحث ما مرتبط است این است که حال که در حدود و قصاص ضرورتی بر اجرای مجازات در عین دیده نمی شود، (البته به جز مورد خاص ذکر شده) در تعزیر که اصولاً تأسیس خفیف تری است و باید از حد تجاوز نکند به طریق اولی لزومی به اجرای مجازات در عین دیده نمی شود. (ماهنامه حقوق و اجتماع (پژوهشی آموزشی تحلیلی و اطلاع رسانی)، آبان ۱۳۸۰: صص ۳۴ و ۳۵ و ۳۶)

۴. مبانی حقوقی اجرای علنی مجازات

برخی معتقدند که هدف اسلام این است که مجازات‌ها در علن اجرا شود تا اثر ارعابی در جامعه داشته باشد. البته پیش فرض ما این است که اسلام در هیچ جا اجرای مجازات در علن را ضروری نکرده است. عده‌ای با استناد به آیه ۶۹ سوره نحل که «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف كان عاقبه المجرمین» (فروع کافی: ۱۸۸/۷؛ و مشابه این حدیث در «من لایحضره الفقیه»: ۳۱/۴؛ و وسائل: ۳۲۸/۱۸، به طور خلاصه و مختصر از سیداصغر ناظم زاده قمی: ۲۲۴ نقل شد.) را دلالت بر اثر ارعابی مجازات‌های در علن دانسته اند. البته بحث ما در این نیست که نفس مجازات دارای اثر ارعابی باید باشد یا نه؛ که مشخصاً با توجه به آیه شریفه فوق، عبرت آموزی از مجازات و عاقبت مجرمان و بدکاران سفارش شده است. بحث در این است که آیا نفس مجازات که باید اثر عبرت‌گیری داشته باشد باید در ملاء عام و در منظر دیدگان مردم صورت گیرد و باعث ارعاب آنها شود؟ ممکن است در ابتدای امر به این پرسش پاسخ داده شود. اما به نظر می‌رسد در کوتاه مدت این قضیه برای مردم اثر ارعابی و ترس داشته باشد اما در بلندمدت به عادی شدن و از بین رفتن قبح اعمال مربوط شده و در نتیجه منتهی به انزجار و تنفر بیشتر مردم از مشاهده چنین صحنه‌هایی می‌شود. با توجه به اینکه اثر ارعابی داشتن مجازات رد نمی‌شود و مورد انکار نیز نیست اما از مشاهده مستقیم اجرای مجازات در بلندمدت اثر عکسی پدید خواهد آمد.

شکی نیست که مجازات‌ها همواره باید به اصلاح مجرم و بازگشت او به جامعه کمک کند. در اسلام همواره بر اصلاح شخص عاصی و مجرم تأکید شده است و وضع مجازات‌ها را برای اصلاح مجرمان می‌داند. اما آنچه در اسلام بیشتر مهم است اصلاح مجرم در باطن و میان خود و خدای خویش است نه در ظاهر. اسلام اصلاح شدن مجرم و عاصی را در توبه او می‌داند. در آیه ۳۹ سوره مائده آمده است. «فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فان الله یتوب علیه ان الله غفور رحیم».

در بسیاری از مجازات‌های در شرع بیان شده در مورد حدود، بحث توبه در برخی موارد به عنوان عاملی بازدارنده از اجرای حد است. حال اگر هدف اسلام را در اصلاح مجرم بدانیم؛ آیا در صورتی که این حدود در ملاء عام صورت گیرد، شخص مجرم امکان اصلاح را دارد؟

آیا با اجرای چنین مجازاتی در علن، مجرم به جای اصلاح اثر تخریبی پذیرا نمی‌شود؟ آیا اجرای مجازات‌هایی این چنین در ملاء عام باعث نمی‌شود که شخصیت مجرم و خانواده اش در دید همگان بشکند؟ آیا خانواده محکوم با دیدن مجازات فردی از اعضای خانواده در ملاء عام، احساس خواری نمی‌کند؟

شیخ محمود شلتوت در کتاب «القصاص» می‌نویسد: «هدف شریعت از نظام کیفری اش به طور مسلم اصلاح نفوس و تهذیب آنها و تلاش در جهت سعادت جوامع بشری است و با این غرض، هر راه سالمی را که مفید تشخیص داده، در پیش گرفته و در سوق دادن مردم به آن راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده است». (شلتوت، شیخ محمود، ۳۰۴/۲)

حاصل آنکه در صورت اجرای مجازات‌های بیان شده در شرع به صورت علنی نه تنها شاهد پیشگیری از وقوع جرم نخواهیم بود بلکه ناظر افزایش تفکر و اندیشه ارتکاب جرم و در نهایت ریخته شدن قبح اعمال مجرمانه و انجام آن خواهیم بود. مسأله‌ای که شرع قطعاً با آن موافق نیست.

در دیدگاه حقوقی عرفی، دو مجازات، قابل اجرا در ملاء عام هستند، اعدام و شلاق.

۴-۱. اعدام

مجازات اعدام یا سلب حیات جزو آخرین ضمانت اجرای کیفری شمرده می‌شود و این مجازات در طول تاریخ در میان جوامع گوناگون بشری رایج بوده است. «در اواخر قرن وسطی پانزده نوع روش مجازات اعدام وجود داشت: ۱. دار زدن ۲. سائیدن فرد زیر سنگ آسیاب ۳. سر بریدن ۴. قطعه قطعه کردن ۵. کشتن در مایع مذاب ۶. پرتاب کردن از نقطه بسیار مرتفع ۷. غرق کردن در آب ۸. زنده به گور کردن ۹. مرگ در ظرف بزرگ مسدود ۱۰. سوزاندن ۱۱. سنگ باران کردن ۱۲. رها ساختن محکوم در بیشه

حیوانات درنده ۱۳. اعدام در چلیک میخ دار ۱۴. پاره پاره کردن بدن با پنس‌های آتشین ۱۵. بستن محکوم به پشت حیوان وحشی». (علوی، دکتر رضا، ۱۳۴۹: ۲۸۳)

در قرن ۱۸ میلادی هر چند احساسات بشردوستانه‌ای در احساسات عمومی پدیدار شد اما در آن زمان مخالفت با مجازات اعدام مخالفت با آیین مسیحیت تلقی می‌شد و در میان روحانیون مسیحی کسانی بودند که از مجازات اعدام جانبداری می‌کردند که از آن جمله می‌توان به «سن توماس داکن» اشاره کرد. او معتقد بود که «هر گاه حیات مقصر برای جامعه به قدری زیانبخش باشد که سود حاصله و منتظره از اصلاح او را تحت الشعاع قرار دهند، در این صورت اعدام او مشروع و پسندیده است». (شلتوت، شیخ محمود: ۱۰۸، به نقل از دکتر هوشنگ شامبیاتی، ۲/ ۳۰۴) «ژان ژاک روسو» نیز با مجازات اعدام به عنوان آخرین راه حل موافق بوده است. او معتقد است: «... انسان با قبول قرارداد اجتماعی اختیار حیات خود را به جامعه سپرده و در مقابل تفویض اختیار حیات خود به جامعه، انسان تضمین یافته است که در مواقع خطر، جامعه از جان او ضمانت و حراست خواهد کرد». (همان: ۳۴۷)

در برابر «سزاربکاریا» معتقد است: «مجازات اعدام به دلیل درس خونخوارگی که به انسانها می‌آموزد مفید نیست». علمای نئوکلاسیک و علمای مکتب اثباتی هم در مورد مجازات اعدام اتفاق نداشته‌اند.

«سزار لمبروزو» مجازات اعدام را در مورد جانین بالفطره تجویز می‌کند. برعکس «آفریکوفری» با مجازات اعدام مخالف است. او معتقد است مجازات اعدام در صورتی موجب خوف و هراس خواهد شد که در مقیاس نسبتاً وسیعی انجام شود و اجرای این چنینی اعدام مخالف احساسات عمومی است.

همچنین به عقیده مخالفان اعدام، از روزی که علنی بودن اجرای مجازات اعدام در کشورها لغو گردید، اعتبار ارباب و عبرت جمعی آن نیز دچار خدشه گردید به گفته آلبر کامو: اگر بخواهند مجازات اعدام باعث عبرت شود باید ماشین اعدام را در میدانی پرجمعیت شهرها بگذارند و تمام مردم را دعوت کنند و تشریفات اعدام را به وسیله تلویزیون برای غایبان نشان بدهند در غیر این صورت بحث از اثر عبرت در اعمال کیفر را باید متوقف سازند. (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه قضایی دادگستری کل استان قم (مرکز پژوهش)، ۱۳۸۷: ۷۵)

جنبش دفاع اجتماعی هم از ابتدا با مجازات اعدام به مخالفت برخاسته است. «مارک آنسل» می‌گوید: «در یک نظام مبتنی بر احترام به نوع بشر، حمایت از زندگی انسانی، اعتقاد (و یا امید) به کمال‌پذیری یا ارتقاء اجتماعی انسان (ولو منحرف و گمراه) این مجازات خونبار، همان گونه که «آلبر کامو» معتقد بود، مبتنی بر این فرض است که دولت نسبت به زندگی و مرگ شهروندان حقوقی دارد؛ فرضی که با توجه به غیر قابل جبران بودن مجازات اعدام مسلماً توجیه‌پذیری خود را از دست می‌دهد». (آنسل، مارک: ۸۵)

افراد جامعه با اعدام جانی، یقین پیدا می‌کنند که شخص جانی به کیفر اعمال خود رسیده است و رهایی او امکان‌پذیر نیست و در صورت اجرا نشدن آن یا اجرا شدن مجازاتی بدل از آن، امکان نجات او از مجازات را فراهم می‌کند. البته این نظر با ایده «جزیره متروک» امانوئل کانت از بنیانگذاران مکتب عدالت مطلق همخوانی دارد.

او معتقد است: «اگر یک جامعه مدنی با موافقت کلیه اعضای خود تصمیم به انحلال آن جامعه بگیرد. مثلاً مردمی که در یک جزیره سکونت دارند، موافقت کنند که از یکدیگر جدا و در سراسر جهان پخش شوند، باز باید آخرین قاتلی را که در زندان نگهداری می‌شود، قبل از اجرای تصمیم اعدام کرد.

مجازات اعدام با ایجاد وحشت و ترس در افراد دیگر، این فایده را خواهد داشت که افراد دیگر، دست خود را به ارتکاب جرایم، به ویژه جنایت، آلوده نسازند، همانگونه که «مونتین» می‌گوید: «کسی را که اعدام می‌کنند اصلاح نمی‌کنند، بلکه افراد دیگر را با اعدام جنایتکار اصلاح می‌کنند». (شامبیاتی: ۳۵۰)

۲-۴. شلاق

شلاق نیز مانند کیفر اعدام، مجازاتی است که قابلیت اجرا در ملاء عام را دارد. این مجازات از دیرباز اجرا می‌شده است. این کیفر در عصر ساسانیان نیز به شدت رایج بوده است و برای جرایم مختلف، مجازات تازیانه مقرر کرده بودند. این تازیانه‌ها از پنج ضربه شلاق برای جرمی مانند قیام مسلحانه با اسلحه و ۵۰ ضربه شلاق برای خوراندن غذای بد به سگ شکاری شروع و تا مجازات‌های ۱۰/۰۰۰ تازیانه به خاطر کشتن سگ آبی ختم می‌شود. در اروپای قرون وسطی و جدید نیز مجازات‌های تازیانه وجود داشته است. «الیزابت» دختر پتر کبیر که بعد از کودتای ۲۵ نوامبر ۱۷۴۱ به سلطنت رسید با صدور فرمان گرچه مجازات اعدام را لغو کرد اما تازیانه را جانشین آن نمود و این کیفر خصوصاً وقتی تعداد آن به ۳۰۰ تا ۴۰۰ ضربه می‌رسید بی رحمانه تر از اعدام می‌شد. در مورد مجازات تازیانه هم نظرات موافق و مخالفی وجود دارد. در صورت اجرای مجازات شلاق در علن شخصیت بزهکار که هر چند مرتکب جرمی شده است اما از حیثیت و آبرویی به عنوان انسان در جامعه برخوردار است نقش اصلاحی شلاق را کمرنگ تر می‌کند. افرادی که به عنوان تماشاچی مشغول دیدن چنین صحنه‌ای هستند، به طور تجربی اثبات شده است که از اجرای مجازات تفر بیشتر پیدا می‌کنند تا جرم ارتكابی (ماهنامه حقوق و اجتماع (پژوهشی - آموزشی تحلیلی و اطلاع رسانی)، آبان ۱۳۸۰: ش ۲۴ و ۲۳/ص ۳۶). شکی نیست که کیفر باید به طوری انتخاب شود که کسانی که وسوسه تقلید از بزهکار را در سر می‌پروراند، به فکر وادار کند. این نکته مسلم است که اگر ترس و رعب از مجازات و کیفر نباشد بسیاری از افراد، خواه به علت ضعف نفس شخصی و خواه به علت وسوسه‌های شیطانی یا علل دیگر، از ارتكاب جرم باکی نداشته و از تجاوز و تعدی به حقوق جامعه و افراد آن خودداری نخواهند کرد. اما آیا دیدن صحنه‌های اجرای مجازات می‌تواند در ارعاب ناظران اثر مثبت داشته باشد؟ نقل شده است که در «میدان گرو» فرانسه، زمانی که دزدان را به چوبه دار می‌آویختند، سرقت‌های بی شمار صورت می‌گرفت چه دست‌هایی که در جیب دیگران جهت سرقت گذارده نشده و این دزدی، از آنچه که در برابر چرخ شکنجه که جمعیتی کمتر گرد آن جمع شده بودند صورت می‌گرفت بیشتر بود. (میرمحمد صادقی، دکتر حسین، ۱۳۷۷: ۳۷۸)

«نشریه اسپکتاتور» (Spectator) در یکی از سرمقاله‌های خود در سال ۱۸۳۱ ضمن انتقاد از اجرای اعدام در ملاء عام اظهار می‌دارد که در یک مورد مردم زیادی برای تماشای فردی که بنا بود اعدام شود حاضر شده بودند. وقتی چند دقیقه از ساعت اعلان شده برای اجرای حکم اعدام گذشت و مجرم به صحنه آورده نشد افراد حاضر شروع به سوت و دست زدن ممتد کردند و خواستار آغاز برنامه بودند، درست مثل اینکه در سالن نمایش یا سینمایی نشسته اند و در شروع نمایش یا فیلم تأخیر شده است. این گونه بی صبری در مشاهده جان دادن یک انسان دیگر نشانگر آن است که اعدام‌های علنی می‌تواند به تدریج روحیه رحم و شفقت را در کسانی که شاهد آن هستند از بین ببرد. (میرمحمد صادقی، دکتر حسین، ۱۳۷۷: ۳۷۸)

سزار بکاریا معتقد است: «کیفر اعدام برای جمعی از مردم نمایشی است و برای قلیل مایه ترحم و انزجار. این دو احساس بیش از رعب نجات بخشی که قانون مدعی پدید آوردن آن است روح تماشاگر را در تصرف دارد» (بکاریا، سزار: ۸۰). در صحنه اجرای مجازات جنایتکارانی مثل «خفاش شب» در کشور خودمان نیز این مسایل موجود است. در صحنه اجرای اعدام خفاش شب حدود ۵۰ هزار نفر سحرگاهان به محل اجرای حکم رفتند. فروشندگان مواد غذایی نیز با استفاده از این فرصت به عرضه متاع خود به جمعیت بیکار تماشا کننده مشغول بودند. (مظلومان، دکتر رضا: ۲/۲۹)

گزارشی که در سالیان دور از سوی کمیسیون سلطنتی در انگلستان منتشر شد نشان می‌دهد که معمولاً صحنه‌های اعدام‌های علنی بهترین مکان برای جیب‌بری‌های متعدد در این مکان‌ها گزارش شده است. جالب توجه اینکه اکثر این جیب‌بری‌ها درست در لحظه اعدام محکوم رخ می‌دهد در آن ایام جرم جیب‌بری خود مجازات اعدام را در پی داشت. (میرمحمد صادقی، دکتر حسین، ۳۸۶)

آنچه مشخص است مجازات‌های این چنینی که در علن انجام گیرد و شرایط محیطی مناسب نباشد اثر ارعابی خود را از دست می‌دهد و اثر عکس به دنبال خواهد داشت. بحث اصلاح شخص در مورد اعدام منتفی است. زیرا در اینجا موضوع منتفی شده

است، اما سؤالی که در مورد شلاق وجود دارد این است که آیا به وسیله اجرای مجازات تازیانه بر روی بزهکار می‌توان قایل به نقش اصلاح‌گری آن بود؟ گروهی به عنوان موافقان این نوع از اجرای مجازات در علن با چنین برداشتی موافقت می‌کنند. اما آنچه در مطالعه از بیرون یک صحنه مجازات شلاق وجود دارد امر متفاوتی است. انسان‌ها در جامعه دارای حرمت، شخصیت، حیثیت و آبرو هستند و از این نظر که انسانند احترام و حفظ شأن آنها لازم است.

در یک جامعه نباید به سادگی شخصیت افراد مورد حمله و صدمه قرار گیرد. اجرای چنین مجازاتی در منظر عموم مردم نه تنها بر شخص اثر اصلاحی نمی‌گذارد بلکه او را در نزد چشمان بسیاری که شاهد مجازات شدنش هستند، خوار و ذلیل می‌کند. می‌توان گفت که اجرای مجازات شلاق در علن بیشتر اثر خواری و سبکی شخص را دارد و نه تنها او به جامعه به عنوان انسان صالح بر نمی‌گردد بلکه تجربه یک بار خوار شدن او را برای مراتب بعدی به ارتکاب جرم جسورتر می‌سازد چه اینکه او دیگر واهمه‌ای از مجازات در ملأ عام ندارد، چون شخصیتی برای او باقی نمانده است.

در مورد اثر پیشگیرانه اجرای مجازات‌های اعدام و تازیانه این سؤال مطرح می‌شود که آیا مجازات‌های اعدام و تازیانه‌ای که در جامعه به معرض دید گذاشته می‌شود، نمی‌تواند سبب شود که از پدیده بزه در جامعه پیشگیری شود؟ اگرچه شاید تأثیرات موقتی را که اجرای مجازات افراد در علن دارد نتوان انکار کرد اما باید به تأثیرات مخربی که پس از مشاهده مجازات بر روی انسجام یک اجتماع خواهد گذاشت توجه کرد. نقل می‌کنند که در قرن نوزدهم از ۱۶۷ محکوم به اعدام، ۱۶۴ نفر آنها قبلاً ناظر بر گزاری اعدام‌های علنی بوده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

در پایان بررسی فقهی، حقوقی و جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی اجرای علنی مجازات‌ها، نتایج زیر بدست می‌آید:

۱. مبنای مجازات از دیدگاه حقوق کیفری اسلام، مبنایی ویژه و ممتاز است.
- اسلام هر چند تلفیقی از دو اصل عدالت و فایده را بعنوان مبنای مجازات پذیرفته است، لکن بخلاف برخی از مکاتب کیفری، اجرای عدالت را یک حق و نه تکلیف دانسته و بیشترین توجه را به تحقق آثار و نتایج حاصل از مجازات معطوف داشته است. این رویکرد، حکایت از توجه خاص اسلام به حفظ و تأمین مصالح فردی و اجتماعی خصوصاً اصلاح و تربیت مجرمین دارد.
۲. مهمترین اهداف مجازات، اصلاح و تربیت، اجرای عدالت، پیشگیری عام و خاص و حفظ نظام اجتماعی می‌باشد.
- با بررسی آموزه‌های کیفری اسلام در خصوص اهداف مجازات‌ها، به این نتیجه می‌رسیم که مهمترین اثر و نتیجه‌ای که اسلام از اعمال مجازات تعقیب می‌نماید، اصلاح و تربیت مجرم است. پذیرش عفو و توبه بنحو گسترده بعنوان دو نهادی که قادرند مجازات را ساقط نمایند، علاوه بر اینکه نشانگر انعطاف‌پذیری حقوق کیفری اسلام می‌باشد، حاکی از همین واقعیت است.
۴. در حقوق کیفری اسلام، رعایت سه اصل قانونی بودن، تساوی و شخصی بودن مجازات‌ها ضروری شناخته شده است و این اصول را بعنوان اصول بنیادین حاکم بر اجرای مجازات‌ها معرفی نموده‌اند.
- همانگونه که بایستی مجازات اعمال شده از نظر نوع و میزان با آنچه در قانون آمده است، مطابقت داشته باشد، شیوه اجرای آن نیز بایستی مطابق قانون باشد. در غیر اینصورت، مخالف با اصل قانونی بودن مجازات‌ها، خواهد بود. اجرای مجازات‌ها در ملأ عام به جز اجرای حد محاربه، با اصل قانونی بودن مجازات‌ها منافات دارد، چرا که همانگونه که در مبحث تبیین فقهی مسأله، اثبات گردید، ادله فقهی که منشاء قوانین جزائی کشور است، اجرای مجازات در ملأ عام را بر نمی‌تابد.
- بعلاوه به لحاظ اینکه تصمیم‌گیری راجع به محل اجرای حکم، به نظر و رأی دادگاه واگذار شده است و از سوئی قضات محترم، در مورد اجرای مجازات در ملأ عام، نظرات متفاوتی دارند، اصل تساوی مجازات‌ها نیز تهدید می‌گردد. چرا که ممکن است دو مجرم با شخصیت و شرائط کاملاً یکسان که مرتکب جرم واحدی گردیده‌اند، تنها به لحاظ دیدگاه متفاوت قضات، یکی در خفا و دیگری در انظار عمومی مجازات گردد، در حالی که اجرای مجازات در ملأ عام مجازاتی مضاعف است.

و همچنین اجرای مجازات در ملأعام بدون در نظر گرفتن آبرو و حیثیت افرادی که تحت تکفل مجرم می‌باشند می‌تواند آثار روانی شدید بر خانواده و بستگان مجرم تحمیل نماید. رسوایی و بی‌حیثیتی ناشی از اجرای مجازات در ملأعام که دامن خانواده و بستگان مجرم را فرا می‌گیرد چه بسا اعتدال روانی آنان را به هم زده و آنان را به نوبه خود مایوس و دشمن جامعه و در نتیجه تبهکار می‌سازد. بنابراین آنها هم به تبع مجازات مجرم در ملأعام مورد تحقیر قرار می‌گیرند. با توجه به این مسأله به نظر می‌رسد که اجرای علنی مجازات با، اصل شخصی بودن مجازاتها که یکی از اصول بنیادین حاکم بر حقوق کیفری است بیشتر تقابل را دارد.

۵. با بررسی ادله فقهی که در مورد کیفیت اجرای مجازات وارد شده است، به این نتیجه می‌رسیم که دلیل شرعی بر لزوم و یا رجحان اجرای مجازات در ملأعام وجود ندارد.

ادله مورد ادعا، تنها بر لزوم و یا رجحان حضور عده‌ای محدود از افراد ثقه و مومن، بهنگام اجرای زنا، دلالت دارد. به نظر می‌رسد که فلسفه تشریح این حکم، در برخی مجازاتها همچون شلاق زنی، گواهی دادن نسبت به اجرای حتمی و قطعی حد، و در برخی دیگر همانند رجم، شرکت و مباشرت در اجرای حد می‌باشد.

مطمئناً وجود چنین تصمیمی در راستای اجرای حتمی مجازات و همچنین انعکاس خبر اجرای آن در جامعه، تأثیری شگرف در ارباب و پیشگیری عمومی از جرم داشته و حتی تأثیر آن از مشاهده عینی صحنه مجازات بیشتر خواهد بود، بدون آنکه پیامدهای منفی بدنبال داشته باشد.

۶. هر چند ادله فقهی که بر حضور طایفه‌ای از مؤمنین به هنگام اجرای حد تأکید دارد، ناظر به جرم زناست، لکن به نظر می‌رسد که این حکم در مورد سایر حدود و حتی تعزیرات، بطریق اولی جاری می‌باشد. چرا که هر گاه به هنگام اجرای حد زنا که سیاست کیفری اسلام بر بزه پوشی و تأکید بر عدم انتشار خبر این قبیل جرائم است، بر حضور عده‌ای تأکید شده است، در مورد سایر مجازاتها، حضور آن عده مطلوب بوده و می‌تواند، آثار مثبت مدنظر را محقق سازد.

۷. علی‌رغم اینکه اجرای مجازات در ملأعام، آثار و پیامدهای منفی فراوانی بدنبال دارد لکن در موارد نادر هر گاه ارتکاب جرمی شنیع، احساسات و عواطف افراد جامعه را بطور وسیع و گسترده، جریحه دار نموده و امنیت و آسایش عمومی را مختل سازد، اجرای علنی مجازات آن مفید بوده و می‌تواند به ترمیم احساسات جریحه دار شده قربانیان جرم و عموم مردمی که از جرم ارتكابی بشدت متأثر شده‌اند، کمک نماید. کما اینکه در شرع مقدس اسلام نیز نسبت به جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، شدت عمل بیشتری صورت گرفته و طبق قوانین جزائی اسلام، مجازات فرد محارب در برخی شرائط، به صلیب کشیده شدن وی بمدت سه روز می‌باشد که ظاهراً فلسفه این حکم علاوه بر پیشگیری عمومی، ترمیم احساسات و عواطف عموم افراد جامعه است که تحت تأثیر جرم ارتكابی بشدت لطمه دیده است. در این موارد نادر و استثنائی، بایستی ضوابطی اعمال گردد تا حتی الامکان آثار منفی آن کاهش یابد.

۷. فهرست منابع و مأخذ

۷-۱. منابع فارسی

۷-۱-۱. کتب

منابع این رساله، پس از قرآن کریم، به شرح زیر است:

۱. فرانک پی. ویلیامز ماری لین دی. مک شین؛ نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک محمدی، نشر میزان، چاپ

دوم، ۱۳۸۶.

۲. برنابولک؛ کیفر شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، نشر مجد، چاپ پنجم، ۱۳۸۵

۳. نوربها، رضا؛ زمینه جرم‌شناسی، نشر گنج دانش، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳

۴. نجفی توانا، دکتر علی؛ جرم‌شناسی، نشر خط سوم، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷

۵. ستوده، دکتر هدایت‌الله؛ آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات) انتشارات آوای نور، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۴.

۶. کیت سوتیل، و...؛ درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی، ترجمه میرروح‌الله صدیق، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۷. نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰، ج ۱.

۸. جرج ولد، و...؛ جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)، ترجمه علی شجاعی، تهران، نشر سمت، چاپ اول،

۱۳۸۰. وضعیت مجازات اعدام، کانون تبلیغاتی طه، چاپ اول، ۱۳۸۷.

۷-۱-۲. قوانین

۱. منصور، جهانگیر؛ مجموعه قوانین و مقررات جزائی، تهران، نشر دیدار، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش.

۲. ناصرزاده، هوشنگ؛ مجموعه کامل قوانین و مقررات جزائی (آئین دادرسی کیفری)، تهران، انتشارات خورشید، چاپ پنجم،

۱۳۷۹ ش.

۳. ناصرزاده، هوشنگ؛ قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر دیدار، چاپ هفتم، ۱۳۷۵

۴. شهری، غلامرضا، نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری، تهران روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۳، ج ۱

۷-۲. منابع عربی

۱. الامدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم، تحقیق! محمد سعید الطریحی، بیروت، دارالقاری، الطبعة

الاولی، ۱۴۰۷ ق.

۲. ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالمعارف، ۱۴۰۱ ق.

۳. عکاز، احمد؛ فلسفه العقوبه فی الشریعه الاسلامیه و القانون، شرکه مکتبات عکاظ للنشر و التوزیع، الطبعة الاولی ۱۴۰۲ ق.

۴. الاسدی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن المطهر؛ تذکره الفقهاء، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، الطبعة الاولى، ۱۴۱۹ق.
۵. الاسدی (علامه حلی)، حسن بن یوسف بن المطهر؛ کشف المراد، تصحیح: حسن زاده آملی، قم، انتشارات اسلامی، [بی تا]
۶. البخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۹ق.
۷. التیمی البکری (فخر رازی)، محمد بن عمر بن الحسین؛ التفسیر الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱ق.
۸. الحر العاملی، محمد بن الحسن؛ وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۶ق.
۹. الحلبي، ابوالصلاح؛ الکافی فی الفقه، اصفهان، مکتبه امیر المومنین علی (علیه السلام)، [بی تا].
۱۰. الحلبي، یحیی بن سعید؛ الجامع للشرائع، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۰۶ق.
۱۱. خضر، عبدالرحمن؛ شرح قانون اصول المحاکمات الجزائیه البغدادی، [بی جا]، مکتبه دارالکتب العربی، الطبعة الرابعه، [بی تا].
۱۲. الدوری، عدنان؛ علم العقاب و معامله المذنبین، کویت، انتشارات ذات السلاسل، الطبعة الاولى، ۱۹۸۹م.
۱۳. رازی، ابوالفتح؛ روح الجنان، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۱۴. (سید) رضی، محمد بن ابی احمد حسنی؛ نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ش.
۱۵. رواس قلعه جی، محمد؛ موسوعه فقه علی بن ابیطالب، بیروت، دارالنفاست، الطبعة الاولى، ۱۴۱۷ق.
۱۶. السراج، عبود؛ علم الاجرام و علم العقاب، جامعه الكويت، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۶ق.
۱۷. السیوری الحلبي، (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله؛ مختصر الشرائع، تهران، المکتبه المرتضویه، [بی تا]
۱۸. السیوری الحلبي، (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله؛ نضد القواعد الفقهیه، قم، مکتبه آیت الله المرعشی، ۱۴۰۳ق.
۱۹. شافعی، محمد بن ادريس؛ احکام القرآن، بیروت، دارالمکتب العلمیه، ۱۴۰۰ق.
۲۰. الشوکانی، محمد بن علی؛ نیل الاوطار، بیروت، دارالجيل، [بی تا].
۲۱. صدر، سید محمد باقر؛ اقتصادنا، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، الطبعة السادسة عشر، ۱۴۰۲ق.
۲۲. الطباطبائی، السید محمد حسین؛ المیزان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴ق.
۲۳. طوسی، خواجه نصیر الدین؛ تجرید الاعتقاد، تحقیق: محمد جواد حسینی جلالی، مکتب الاعلام الاسلامی.
۲۴. الطوسی، محمد بن الحسن بن علی؛ تهذیب الاحکام، بیروت، دارالاضواء، الطبعة الثانية، ۱۴۱۳ق.

۲۵. عبدالقادر القهوجی، علی؛ علم الاجرام و علم العقاب، انتشارات الدار الجامعیه.
۲۶. جندی، عبدالملک؛ الموسوعه الجنائیه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة الثانيه، ۱۴۰۹ق.
۲۷. عبدالمنعم، سلیمان؛ اصول علم الاجرام و الجزاء، بیروت، الموسسه الجامعیه، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ق.
۲۸. العمر، محمد احمد؛ (تدوین کننده)، قانون اصول المحاکمات الجنائیه البغدادی، بغداد، الناشر محمد احمد العمر، ۱۹۴۸م.
۲۹. عوده، عبدالقادر؛ التشريع الجنائی الاسلامی، بیروت، مؤسسه الرساله، الطبعة الثالثه عشر، ۱۴۱۵ق.
۳۰. الغروی النائینی، محمد حسین؛ قواعد الاصول، تقرير شيخ محمد علی الكاظم الخراسانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ق.
۳۱. الغزالی، ابو حامد محمد بن محمد؛ المستصفی، بیروت، دارصادر، الطبعة الاولى، ۱۳۲۲ق.
۳۲. القزوينی (ابن ماجه) محمد بن یزید؛ سنن ابن ماجه، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، دارالجيل، الطبعة الاولى، ۱۴۱۸ق.
۳۳. القمی (شيخ صدوق)، محمد بن علی بن الحسين بن بابويه؛ من لا یحضره الفقیه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ق.
۳۴. (سید) مرتضی؛ الذریعه الی اصول الشریعه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، [بی تا].
۳۵. المر صفاوی، حسن صادق؛ قانون اجراء الجنائیه، [بی جا]، منشاء المعارف بالاسکندریه، ۱۹۹۰ م. ۱۴۰۲ ق.
۳۶. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین؛ القواعد و الفوائد، قم، انتشارات مکتبه الداوری، [بی تا].
۳۷. موسوی الاردیبلی، السید عبدالکریم؛ فقه الحدود و التغریرات، منشورات مکتبه امیر المؤمنین (ع)، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ق.
۳۸. (امام) الموسوی الخمینی، سید روح الله؛ تحریر الوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمینی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۱ق.
۳۹. منتظری، حسین علی؛ دراسات فی ولایه الفقیه، قم، مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ق.
۴۰. النجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن؛ جواهر الکلام، تهران دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثانيه، ۱۳۶۳ ش.
۴۱. نجیب حسنی، محمود؛ شرح قانون العقوبات اللبنانی (القم العام)، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، الطبعة الثالثه، ۱۹۹۸ م.
۴۲. الونشیرسی، احمد بن یحیی؛ المعیار المعرب، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۱ق.

The Principles of the Theory of Public Execution of Punishments from a Legal and Jurisprudential Viewpoint

Hamid Babaei¹, Mahmoud Qayumzadeh², Mohammad Rasoul Ahangaran³

Abstract

The present research is aimed at investigating public execution of punishment. The subject of public execution of punishment is one of the issues causing different reactions from experts. Some, while agreeing with the public execution of punishment, believe that the execution of the punishment in the public eye has a Sharia and Quranic context, referring to the holy verse “*And let a group of the believers witness their punishment¹*” in support of their opinion. On the other hand, a group believes that there is no such thing as public execution of punishment in the jurisprudential rules, and the aforementioned noble verse does not indicate the public execution of punishment. In every penal system, the method of execution of punishment is under the influence of the basis and goals of punishment in that penal system and applied in line with its realization. From the viewpoint of Islam, although the basis of punishment is a combination of the two principles of justice and benefit, the most emphasis is on the realization of the effects and results of punishment. By reviewing the penal doctrines of Islam concerning the goals of punishment, we found out that the correction and education of the criminal is the key effect and result of the execution of punishment. Public execution of punishment not only does not realize this basic goal, but also makes its realization impossible or difficult.

Keywords: Legal and Jurisprudential Evidence, Punishment, Public/in the Public Eye/Publicly, Public Execution of Punishment

¹ ولشاهد عذابهما طائفه من المومنين